

پاسخ مرحوم نخودکی به درخواست امام(ره) برای کسب علم کیمیا/ قرآن تنزل خود علم الهی است

ت الله هادوی تهرانی در تبیین تأثیرات مادی و معنوی انس با قرآن به جریان دیدار امام خمینی(ره) با مرحوم نخودکی اشاره کرد...



آیت الله هادوی تهرانی در تبیین تأثیرات مادی و معنوی انس با قرآن به جریان دیدار امام خمینی(ره) با مرحوم نخودکی اشاره کرد و گفت: همین که قرآن را باز کنی و به آن نگاه کنی ثواب دارد؛ چون به تعبیر آیت الله شاه آبادی این خودش یک حقیقت است. ایشان از «إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر» استفاده می کند که این قرآن در دست ما تنزل خود علم الهی است، خود علم خداوند به پایین ترین سطحش که رسیده است، شده است این قرآن که یک حقیقت متصل بین الارض و السماء است.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مهدی هادوی تهرانی از اساتید عالی حوزه علمیه پیش از آغاز درس خارج اصول خویش بحثی را پیرامون اهمیت انس با قرآن مطرح کرده است که متن آن به شرح ذیل است:

نقل می کنند حضرت امام - رضوان الله علیه - دنبال این بودند که خدمت نخودکی - رضوان الله علیه - برسند و از ایشان علم کیمیا را یاد بگیرند. وقتی خدمت ایشان می رسند و ظاهراً هم با بعضی از آقایان بودند، نخودکی - رضوان الله علیه - به ایشان که یک طلبه جوان بود، می گوید معلوم نیست علم کیمیا به درد شما بخورد و فایده ای برایتان داشته باشد؛ ولی من چیزی به شما یاد می دهم که برایتان فایده دارد. بعد بیانی دارند که به دو شکل نقل شده است: یکی اینکه ایشان فرموده اند بعد از نماز واجب سه بار قل هو الله بخوانید و سه بار صلوات بفرستید و سپس این آیات سوره الطلاق: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّكِلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» را بخوانید. نقل دیگر این است که ایشان فرمودند مثلاً آیه الكرسي یا تسبیحات فاطمه زهرا - سلام الله علیها - را بخوانید و سه بار قل هو الله و سه تا صلوات و بعد این آیات. می گویند که حضرت امام - رضوان الله علیه - فرموده بودند من بعد از آن روزی که نخودکی - رضوان الله علیه - این را به من گفت، این ذکر را ترک نکردم و در طول زندگیم هم هیچ وقت مشکلی پیدا نکردم؛ یعنی با خواندن این آیه و این ذکر و با این ترتیب، روزی ام همیشه فراهم بود. بالاخره این آیات حقایقی هستند و برای این آیات آثاری ذکر شده است و التزام به این ها آثاری دارد. همین امسال خانواده ای به حج آمده بودند. متوجه شدم که از یکی از کشورهای آفریقایی آمدند و همه خانواده با هم آمده بودند.

می گفتند ما به سبب ذکری که همین الآن گفتم، حج نصیب مان شده است. گفتم البته نخودکی - رضوان الله علیه - این ذکر را برای روزی گفته است نه برای حج. آن ها گفتند ما معتقد بودیم که حج خودش یک نوع روزی است و خدا - تبارک و تعالی - هم به ایشان داده بود. یا یکی از آقایان مشاهیر که حالا گرفتار است، این شاء الله گرفتاریش حل شود، به حج آمده بود و خودش می گفت اگر کسی به خواندن سوره النبا ملتزم باشد، حج نصیبش می شود. ایشان می گفت من ملتزم بودم و دائم این سوره را می خواندم و حالا حج برایم قسمت شده است.

من در گذشته آدم هایی را دیدم به خصوص پیرها، شما هم دیدید که این ها قرآن، مفاتیح و مانند آن را می خواندند و خیلی هم ملتزم بودند؛ ولی معانی را نمی فهمیدند. همین مقدار هم آثاری برای خودش دارد؛ همین که قرآن را باز کنی و به آن نگاه کنی ثواب دارد؛ چون به تعبیر آیت الله شاه آبادی - رضوان الله علیه - استاد عرفان حضرت امام - رضوان الله علیه - در کتاب رشحات البحار این خودش یک حقیقت است. ایشان از «إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر» استفاده می کند که این قرآن در دست ما تنزل خود علم الهی است، خود علم خدا - تبارک و تعالی - به پایین ترین سطحش که رسیده است، شده است این قرآن که یک حقیقت متصل بین العرض و السماء است. این حقیقت از آسمان یعنی از خدا - تبارک و تعالی - تا زمین تا این پایین تا دنیا تا این پست ترین مرتبه، امتداد دارد.

این یک نوع برخورد است با آیات. اشکالی هم ندارد. من هم می خوانم، اشکالی ندارد. این شاء الله دوستان هم تجربه کنند و آثارش را ببینند. برخورد دیگر این است که ما با قطع نظر آثار این چینی، به معنای آیه توجه کنیم. نکته ای که من بیشتر به آن علاقه دارم، این است که آدم بتواند با حقیقت این آیات و با معانی این آیات ارتباط برقرار کند؛ یعنی فقط حالت لقلقه زبان و ذکر لفظی نباشد؛ البته متأسفانه ما به سبب اینکه مثلاً جزء علما هستیم! نه آن جنبه عوامی مثل خواندن الفاظ را داریم و نه این علم واقعی اش و ارتباط با معانی این آیات را به دست می آوریم.

ما باید توجه کنیم که خداوند - تبارک و تعالی - در اینجا یک حقایق و قوانینی از عالم را بیان می کند. می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» این یک قانون است؛ مثل اینکه می گوییم اگر دمای آب را به صد درجه برسانیم، جوش می آید. پس اگر «يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» نبود و «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» نبود، معلوم می شود این طرف قضیه یعنی شرط حاصل نیست؛ آن یَتَّقِ اللَّهَ نیست. بعد می فرماید: «وَمَنْ يَتَّكِلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ». این تعبیر دیگری از همان است که: «أليس الله بكاف عبده» یعنی خدا کافی برای بنده اش کافی است. کسی که توکل بر خدا - تبارک و تعالی -

کند، خدا - تبارک و تعالی - برایش بس است و هیچ چیز دیگر نمی خواهد.

بعد در ادامه آیه دارد: «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ»: خدا امر خودش را می رساند؛ یعنی آن را که قرار است محقق شود، انجام می دهد. در ادامه می فرماید: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛ یعنی خدا برای هر چیزی یک تقدیری دارد؛ حساب دارد و آن چیزی که خدا - تبارک و تعالی - حسابش را مقرر کرده به همان حسابش می رساند. خدا - تبارک و تعالی - که ناتوان نیست «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا» [4] به یک «کن فیکون» حاصل است؛ اما مسیر خلقت، قوانین حاکم بر عالم اقتضا می کند که تقدیراتی باشد. ما بی حساب و کتاب نیامده ایم بالاخره در این عالم، از یک طرف امور دنیا زمانی است و از طرف دیگر کار ما در این دنیا مرتبط با اراده ما است. انسان باید با این مفاهیم ارتباط برقرار کند و لاقلاً خودش را نزدیک کند به من «یتق الله» که البته یک کم سخت است. ما که را نتوانستیم به «یتق الله» نزدیک شویم و شاید کمی آن هم از باب تنبلی مان به «یتوکل علی الله» نزدیک تر شده باشیم.

این چیزی است که انسان باید در تجربه روزمره زندگی به آن برسد؛ یعنی در همین حوادث عادی زندگی. یک روز بچه مریض می شود، روز دیگر زن مریض می شود، یک روز بی پول است، یک روز یک مشکلی پیدا می شود و مثلاً لوله آبش می ترکد، پایش می لغزد و می شکند؛ البته باید دائم دعا کرد که خداوند - تبارک و تعالی - انسان را در موقعیت های سخت قرار ندهد. یکی از دعاهایی است که مستجاب نیست؛ ولی خوب است که انسان بخواهد این است که خدایا ما را امتحان نکن. به طور قطع مستجاب نیست! چون دائم داریم امتحان می شویم. همیشه به خدا - تبارک و تعالی - می گوئیم امتحانمان نکن و اگر هم خواستی امتحان کنی، سخت نگیر. ما خودمان اعلام ورشکستگی کردیم و می گوئیم ما از پس آن بر نمی آییم. در این صحنه زندگی و حوادث روزمره آدم باید سعی کند این حقایق موجود در قرآن را ببیند و این ها واقعاً دیدنی هستند. شنیدنی نیستند. اگر آدمی دید، آن موقع است که یک کمی حالش فرق خواهد کرد. در خانه ما در اتاقی که نماز می خوانم، چند تا شاخه گل هست. وقتی من نماز می خوانم، از این شاخه ها خجالت می کشم. با خودم می گویم این شاخه ها پیش خودشان می گویند این آقا را ببین. دقایقی در روز می آید و بالا و پایینی می جهد، فکر می کند که خیلی ذکر خدا - تبارک و تعالی - می گوید در حالی که ما 24 ساعته در حال ذکر خدا - تبارک و تعالی - هستیم؛ چون آن شاخه گل که معصیت نمی کند. ما هستیم که معصیت می کنیم. بعضی وقت ها با خودم می گویم ما وقتی قنوت می خوانیم یاد خدا - تبارک و تعالی - می افتیم؛ آن هم برای اینکه از او چیزی می خواهیم و تا وقتی هم قنوت نکرده ایم، یادمان نیست که با خدا - تبارک و تعالی - حرف می زنیم؛ چون معمولاً ما در قنوت یادمان می افتد در نمازی هستیم. به حمد و سوره و این ها چون عادت می کنیم، اصلاً توجه نمی کنیم که چه می خوانیم. در قنوت است که یاد طلبکار و بدهکار و مریض و این ها می افتیم. بعد یادمان می افتد که خدایی هم هست و دست طلب دراز می شود که با الله بریز!

آدم باید مقداری فکر کند که عمرمان به هیچ چیز گذشت. پس قبل از اینکه همه فرصت ها بگذرد یک کمی به این مفاهیم نزدیک شود.

به هرزه بی می و معشوق عمر می گذرد بطالتم بس از امروز کار خواهیم کرد.

من در جایی خارج از کشور صحبت می کردم و دائم روایات و مباحث مربوط به مرگ را می گفتم. یکی از این دوستان قدیمی من که آنجا بود، به من می گفت این موضوع چیست که شما انتخاب کردی؟ مرگ هم شد موضوع! گفتم بارها عرض کرده ام که به یک معنایی می شد ما متولد نشویم؛ اما در حد فهم ما نمی شود که وقتی متولد شدیم، دیگر نمیریم. مردن مسلم تر از متولد شدن است و مرگ یک حقیقتی است که همه ما به آن می رسیم. ما فکر می کنیم مرگ خیلی دور دست است. در درس آیت الله شیخ جواد آقا تبریزی - رضوان الله علیه - می رفتیم و یکی از رفقا در درس بود که خیلی سرحال و خوش اخلاق و جوان بود. حدود 30 سالش داشت. یک روز بعد از ظهر با همدیگر گفتیم و خندیدیم و درس تمام شد و رفتیم. فردا صبح که آمدیم برویم درس، دیدیم اطلاعیه ای زده اند که رفیق ما مرده است! من هنوز یادم نرفته است که برای من خیلی غیر منتظره بود. دیروز بعد از ظهر سر حال بود و به قول یکی از رفقا احتمال نمی دادیم در شصت سال اخیر ایشان قصد مردن داشته باشد؛ اما مرگ و خدا - تبارک و تعالی - رحمتش کند. حادثه مرگ این قدر نزدیک است. یک قدری خودمان را برای مردن آماده کنیم.